

مجله مطالعات حقوق تطبیقی،
دوره ۴، شماره ۱،
بهار و تابستان ۱۳۹۲،
صفحات ۲۳ تا ۳۹

مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران؛ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین

سید ابراهیم امینی*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز
تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۵/۰۹

چکیده

در این مقاله مقررات مربوط به روش پرداخت ثمن در حقوق ایران، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته و مشخص شده است که نوآوری‌ها و اختراعات و اکتشافات در عرصه‌های گوناگون، یکنواخت‌سازی قواعد حقوقی را در کشورهای مختلف ایجاد می‌کند تا نادانی نسبت به قوانین کشورهای دیگر، مشکلی در روابط حقوقی سریع، مطمئن و توأم با اعتماد شهروندان کشورها با یکدیگر ایجاد نکند. رعایت این قاعده در روش پرداخت ثمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روش پرداخت ثمن متأثر از اسناد تجاری رایج و ابزارهای پرداخت است که در همه کشورهای مورد شناسایی قرار گرفته است. این فرضیه که مقررات روش پرداخت ثمن در حقوق ایران در بیشتر موارد با مقررات بین‌المللی هماهنگ، و در موارد دارای اختلاف، هماهنگ‌سازی امکان‌پذیر است، در این پژوهش به اثبات رسیده است.

کلید واژگان:

انتقال وجوه، پول پرداخت، حواله بانکی، روش پرداخت ثمن، نرخ تسعیر.

مقدمه

در طول تاریخ به موازات پیشرفت دانش و آگاهی‌های بشری، شیوه زندگی انسان نیز متحول شده است. به دنبال این پیشرفت‌ها اداره جوامع بشری، شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انسان‌ها را دگرگون کرده است. تحولات پرشتاب و سریع در حوزه صنعت و الکترونیک و در پی آن وسایل حمل‌ونقل زمینی، دریایی و هوایی و وسایل ارتباط جمعی مانند ماهواره و اینترنت، دنیا را به دهکده‌ای جهانی تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، سرنوشت کشورها چنان به هم پیوند خورده که انزوا و جدایی هر کشور موجب رکود آن شده و حتی حیاتش را در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به مخاطره انداخته است. لذا برای پاسخگویی به نیازهای جدید و حل مسائل ناشی از تحولات، نقش حقوق و قواعد و مقررات آن برای تنظیم روابط کشورها و اتباع آنها به صورت مسالمت‌آمیز انکارناپذیر شده است.

اگر در گذشته نه چندان دور به دلیل نبود ارتباط وسیع و گسترده اتباع هر کشور با کشور دیگر، حقوق رسالت خود را در تنظیم روابط افراد در حوزه جغرافیایی خاص می‌دید، اینک با ارتباطات وسیع انسان‌ها در جوامع و کشورهای مختلف، قواعد و مقررات حقوقی باید بتواند محدوده‌های جغرافیایی را درنوردد و این هدف را در سطح جامعه جهانی تأمین نماید.

تنوع قواعد و مقررات حقوقی در کشورهای مختلف و نداشتن احاطه به تمامی آن‌ها، مانعی جدی در ایجاد ارتباط سریع و همراه با اطمینان و اعتماد اتباع کشورها با یکدیگر است. اگر در گذشته ارتباطات حقوقی اتباع کشورها با یکدیگر به‌عنوان یک استثنا مطرح بود و به کمک قواعد و مقررات مربوط به تعارض قوانین، قانون حاکم بر روابط حقوقی طرفین مشخص می‌شد و ضرورتی به ایجاد وحدت در مقررات حقوقی کشورهای مختلف احساس نمی‌شد، امروزه روابط حقوقی اتباع کشورهای مختلف با هم به‌عنوان یک اصل مطرح است و بیگانگی آن‌ها به قوانین و مقررات یکدیگر می‌تواند خسارت‌های عمده‌ای به هر یک از طرفین قرارداد وارد کند؛ ضمن آنکه امکان تعامل حقوقی سریع و توأم با اطمینان که از ضرورت‌های انکارناپذیر زندگی امروزی است، از بین می‌رود.

با درک صحیح شرایط کنونی، در عرصه بین‌المللی سازمان‌های متعددی با حضور کشورهای مختلف تشکیل شده و تلاش کرده‌اند با ارائه قواعد و مقررات و الزام دولت‌ها به داخل کردن این قواعد و مقررات در حقوق ملی خود، زمینه ایجاد وحدت را در مقررات حقوقی هموار کنند. در میان این سازمان‌ها، مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی رم ۱ (UNIDROIT) است که در سال ۱۹۲۶ م به‌وسیله دولت ایتالیا تأسیس شد. یکی از مهم‌ترین اقدامات این مؤسسه، تهیه اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (Principles for International Commercial Contracts) است که متن پیش‌نویس آن در سال ۱۹۹۴ م منتشر شد و یکی از موفق‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه تجارت بین‌الملل است. یکی دیگر از منابع مهم در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل در دنیای امروز، مقررات اجرای تعهدات در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا است که به‌وسیله کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (UNCITRAL) در سال ۱۹۸۰ م تدوین شد (داراب‌پور، ج ۱، ص ۲۳).

در این مقاله تلاش شده است روش پرداخت ثمن در حقوق ایران با اصول مقررات قرارداد تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مطالعه و بررسی شود. آنچه نگارنده را بر آن داشت که این موضوع را بررسی کند، اهمیت پرداخت ثمن در قراردادهاست.

1. The International Institute for the Unification of Private Law (EN) or: L'institute international pour L'unification de Droit prive (Fr)

فرضیه‌ها و سؤال‌های این پژوهش

فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. مقررات درباره پرداخت ثمن در حقوق ایران که در بیشتر موارد با مقررات بین‌المللی هماهنگ است. ۲. در برخی از موارد که اختلافی میان مقررات مربوط به پرداخت ثمن در ایران و مقررات بین‌المللی دیده می‌شود، امکان هماهنگ‌سازی وجود دارد.

سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. آیا فروشنده می‌تواند از خریدار درخواست کند که به جای پول محاسبه، واحد پول محل پرداخت را برای ایفای تعهد تأدیه نماید؟ ۲. اگر پول محاسبه قابل تبدیل به پول محل پرداخت باشد، نرخ تسعیر بر چه اساسی محاسبه می‌شود؟ ۳. اگر نوع پول محاسبه که در قرارداد معین شده است در کشورهای مختلف با ارزش‌های متفاوت رایج باشد، چگونه باید از ثمن رفع ابهام شود؟

بدنه اصلی

نقل و انتقال و شمارش اسکناس با مشکلات فراوانی مانند سرقت، خیانت در امانت و اتلاف وقت همراه است، بنابراین دارنده آن تلاش می‌کند به جای اسکناس از اسنادی چون چک، حواله بانکی، برات و کارت اعتباری و وسیله پرداخت الکترونیکی که نمایانگر و نماینده اسکناس است، استفاده کند تا از خطرات و مشقات حمل آن در امان باشد؛ ضمن آنکه در قراردادهای بیع بین‌المللی با استفاده از شیوه‌هایی که برای انعقاد قرارداد پیش‌بینی شده است، نیازی به ارتباط حضوری و فیزیکی متقابل برای امکان ردوبدل کردن مبیع و ثمن نیست. افزون بر این، خریدار تمایل ندارد ثمن معامله را قبل از وصول کالا پرداخت کند، همان‌گونه که فروشنده مایل نیست قبل از دریافت ثمن علاقه مالکانه خود را نسبت به مبیع از دست بدهد و این دل‌نگرانی‌ها نیز ایجاب می‌کند تا روش پرداخت به‌گونه‌ای باشد که بدون دغدغه هر یک از طرفین قرارداد نسبت به پرداخت ثمن اقدام کنند.

در قراردادهای تجاری، تعهدات پولی به واحد پولی مشخص تعیین می‌شود که در اصطلاح به آن «پول محاسبه» می‌گویند و پرداخت به همان واحد پولی که در قرارداد مشخص شده است انجام می‌پذیرد. در مواردی ممکن است پول محاسبه با واحد پولی محل پرداخت یکی نباشد، در چنین مواردی تکلیف چیست و آیا هر یک از طرفین قرارداد می‌تواند از طرف مقابل بخواهد که ایفای تعهد با واحد پولی محل پرداخت انجام شود یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، براساس چه نرخی باید تبدیل انجام شود و نرخ چه زمانی باید ملاک محاسبه قرار گیرد؛ به‌ویژه در مواردی که متعهد مبلغ مورد تعهد را در سررسید پرداخت نکرده باشد؟

اگرچه طرفین قرارداد غالباً نوع پولی را که بر اساس آن باید ثمن معامله پرداخت شود در قرارداد مشخص می‌کنند، ولی اگر نوع پول در قرارداد تعیین نشود تکلیف چیست و متعهد باید بر اساس چه نوع پولی ثمن را پرداخت نماید؟ برای نمونه اگر در قرارداد پیش‌بینی شود که یک میلیون پول رایج، و یا اینکه واحد پولی که با ارزش‌های متفاوت

در کشورهای مختلف رایج است؛ مانند دلار ایالات متحده آمریکا و استرالیا. اگر در قرارداد مشخص نباشد که دلار چه کشوری منظور طرفین قرارداد بوده است، چگونه باید از قرارداد رفع ابهام شود؟ برای پاسخ به این گونه مسائل، معمولاً در مقررات بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها روش‌هایی پیش‌بینی شده است که در زیر مواد مربوط در حقوق ایران، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بررسی می‌شود.

۱. مفهوم ثمن

با توجه به تعریف ماده ۳۳۸ قانون مدنی ایران از عقد بیع^۲، در حقوق ما ثمن می‌تواند پول، کالا، خدمت و یا هر چیز دارای ارزش اقتصادی باشد؛ در حالی که در حقوق مدرن، ثمن الزاماً پول است و در صورتی که هر دو مورد معامله کالا باشد، چنین عقدی را معاوضه و یا کالی به کالی می‌شمردند. ولی ملاک تمییز بیع از معاوضه در حقوق ما بستگی به اراده طرفین دارد. اگر طرفین با این ملاحظه که یکی از عوضین «مبیع» و دیگری «ثمن» باشد عقدی را انشا نمایند، آن عقد بیع محسوب می‌شود، ولی اگر طرفین بدون ملاحظه این که یکی از عوضین «مبیع» و دیگری «ثمن» محسوب شود عقد را انشا کنند، معاوضه شمرده می‌شود^۳. اما در شرایطی که قصد طرفین محرز نباشد و در صورتی که یکی از عوضین پول باشد، عرف آن را بیع به حساب می‌آورد؛ هم‌چنان که اگر هر دو کالا باشند، در نظر عرف معاوضه به حساب می‌آید.

با توجه به آنچه گذشت، یک تفاوت اساسی میان بیع در حقوق ایران و حقوق اروپا به خوبی مشخص می‌شود. بنابراین در این مقاله منظور از شیوه پرداخت ثمن در حقوق ما صرفاً ناظر به موردی است که ثمن پول باشد و در صورتی که ثمن مال دیگری باشد، از بحث ما خارج است.

۲. پرداخت نقدی ثمن

آنچه در عقد بیع بر دوش خریدار قرار می‌گیرد پرداخت ثمن است، منتهی چگونگی و روش پرداخت با گذشت زمان به موازات پیشرفت علم و تکنولوژی تغییر یافته است. علت اصلی این تغییر را می‌توان هم ناشی از تغییر در شیوه انعقاد بیع دانست که اگر در گذشته با تشریفات خاص و به صورت حضوری انجام می‌شد، در حال حاضر می‌تواند در فضای مجازی و بدون اینکه طرفین عقد شناختی از یکدیگر داشته باشند واقع شود. اما روشن است که شیوه تسلیم بیع و پرداخت ثمن باید به نحوی باشد که طرفین عقد کوچکترین دل‌نگرانی و دغدغه‌ای نسبت به ایفای تعهدات طرف مقابل نداشته باشند و

۲. ماده ۳۳۸ قانون مدنی ایران: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم»

۳. ماده ۴۶۴ قانون مدنی ایران: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مالی می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند، بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین مبیع و دیگری ثمن باشد».

هم ناشی از مشکلات زیادی دانست که پرداخت نقدی، به خصوص اگر طرفین عقد در یک محل نباشند، به دنبال دارد؛ مانند شمارش اسکناس و نقل و انتقال آن که خطراتی چون سرقت، مفقود شدن، خیانت در امانت و تلف شدن دارد که در دنیای معاصر بر علل فوق باید مقررات پول شویی را نیز افزود که برای جلوگیری از جریان پول های کثیف و سیاه، کشورهای مختلف از پرداخت نقدی ثمن جلوگیری می کنند.

بنا به دلایلی که گفته شد، در کشورهای مختلف معمولاً به جای پرداخت نقدی ثمن، از اسنادی چون چک، حواله بانکی، برات، کارت اعتباری، وسایل پرداخت الکترونیکی و انتقال وجوه استفاده می شود و تمایل به پرداخت نقدی حتی برای تأمین نیازهای روزمره زندگی به شدت کاهش یافته است.

۳. پرداخت به وسیله چک یا سند دیگر

۱.۳. در حقوق ایران

در حقوق ما مقرراتی که فروشنده یا خریدار را ملزم نماید به جای پول، اسناد تجاری که مبین ثمن معامله است تسلیم شود، وجود ندارد. ولی استفاده از حواله بانکی و اقسام مختلف چک، مانند چک تضمین شده بانکی، چک مسافرتی، چک عادی، برات و سفته به جای پول، رایج است. بدیهی است اگر وسیله پرداخت به شکلی باشد که بدون زحمت و یا با زحمت قابل اغماض نقد شود، فروشنده از دریافت آن ابایی ندارد؛ اگرچه الزام وی در این موارد امکان پذیر نیست، ولی در تمامی موارد رضایت طرفین برای پذیرش اسناد تجاری و وسیله پرداخت لازم است. همچنان که صرف پذیرش این اسناد پرداخت تلقی نشده، موجب بری الذمه شدن خریداری که این اسناد را به جای پول به فروشنده تسلیم می کند، نمی شود (کاتوزیان، ص ۲۶). در مقررات مربوط به اسناد تجاری در حقوق تجارت به صراحت پیش بینی شده است که واگذاری و دست به دست گشتن آن ها موجب نقل ذمه به ذمه نشده، بلکه ضم ذمه به ذمه تلقی می شود و تا پرداخت نهایی وجه آن اسناد، همچنان ذمه خریدار مشغول است. برای نمونه در خصوص برات در ماده ۲۴۹ ق. ت پیش بینی شده است: «برات دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند».

دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می تواند به هر کدام از آن ها که بخواهد تک تک یا به چند نفر یا به تمام آن ها با هم رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویس ها نسبت به برات دهنده و ظهرنویس های ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین، موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست. اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

در ماده ۳۰۹ ق. ت نیز آمده است: «تمام مقررات راجع به برات تجاری (در مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب لازم الرعایه است».

در ماده ۳۱۴ ق. ت هم آمده است: «صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد، ذاتاً عمل تجاری محسوب نیست، لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویس ها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به برات شامل چک نیز خواهد بود».

۲.۳. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

ماده ۷-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در این خصوص مقرر می‌دارد: «۱. پرداخت می‌تواند به هر شکل متعارف در تجارت در محل پرداخت انجام شود. ۲. با وجود این، ذینفع یک تعهد که یا مطابق با بند «۱» فوق یا به‌طور اختیاری، چک یا هر حواله دیگر و یا تعهدی برای پرداخت را می‌پذیرد، اصل بر این است که به شرطی این کار را انجام می‌دهد که مبلغ چک، حواله یا تعهد مزبور پرداخت می‌شود». با توجه به ماده ۷-۱-۶، مطالب زیر قابل طرح است:

۱.۲.۳. قاعده کلی

بند «۱» ماده ۷-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، یک قاعده کلی برای روش پرداخت در بیع بین‌المللی را به رسمیت شناخته است و آن این است که پرداخت می‌تواند به هر شکل متعارف در تجارت انجام شود. به عبارتی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی عرف پذیرفته شده در محل پرداخت را برای روش پرداخت ثمن به رسمیت شناخته است. برای نمونه در قرارداد منعقد شده بین فروشنده فرانسوی که محل تجارتش در پاریس است با خریدار ایرانی که محل تجارتش در تهران است، روش‌های پرداختی که در پاریس به‌عنوان محل پرداخت ثمن متعارف می‌باشد، مانند چک (cheque)، حواله بانکی (bands draft)، برات (bill of exchange)، کارت اعتباری (credit card) و یا وسیله پرداخت الکترونیکی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، ولی اگر برای مثال دریافت چک ایران در پاریس متعارف نباشد و بانک‌ها و تجار پاریس نسبت به چک ایرانی آشنایی نداشته باشند، فروشنده فرانسوی می‌تواند این نوع پرداخت را رد کند. البته به رسمیت شناختن روش‌های پرداخت متعارف در محل پرداخت مندرج در «۱» ماده ۷-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، به معنای الزام فروشنده نیست و وی باید راضی باشد که به روش پرداخت پیشنهاد شده ثمن را دریافت نماید.

۲.۲.۳. فرض تأدیه ثمن

در بند «۲» ماده ۷-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، پیش‌بینی شده است که رضایت فروشنده به هر یک از وسیله‌ها و روش پرداخت متعارف، مشروط به این است که تعهد پرداخت سند مورد قبول انجام خواهد شد و در زمان سررسید، ثمن در اختیار خریدار قرار خواهد گرفت. مثلاً اگر در قرارداد تجاری، خریدار حواله بانکی از سوی فروشنده را بپذیرد، در صورتی که بعد از انجام معامله و قبل از دریافت مبلغ حواله بانکی، به هر دلیلی بانک ورشکست شود و از عهده پرداخت وجه آن برنیاید، خریدار بری‌الذمه نبوده، قبول حواله بانکی به منزله تبدیل تعهد و انتقال ذمه خریدار به بانکی که حواله را صادر کرده است نمی‌باشد و فروشنده می‌تواند از خریدار ثمن را مطالبه نماید.

۳.۳. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در ماده ۵۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا آمده است: «وظیفه خریدار مبنی بر تأدیه ثمن شامل آن چنان اقدامات لازم و رعایت چنان تشریفات که طبق قرارداد یا هر قانون و مقرراتی که برای امکان پرداخت ثمن مورد نیاز است نیز می‌باشد».

در اصل فوق بدون اینکه نامی از وسایل پرداخت برده شود، به‌عنوان یک تکلیف برای خریدار پیش‌بینی شده است که باید اقدامات لازم را برای امکان پرداخت ثمن موردنیاز انجام دهد و تشریفات لازم را برای تحقق آن فراهم نماید که این اقدامات ممکن است انجام پیش‌پرداخت و تحصیل تضمین‌های پرداخت نظیر اعتبارنامه بانکی (Letter of credit)، ضمانت (guarantee)، تضمین‌نامه، تضمین جبران خسارت، رهن دادن چیزی و صدور برات، سفته یا چک باشد (ماسکو، ص ۲۵۶-۲۴۸).

در حقوق فرانسه به منظور کم کردن جریان اسکناس و فراهم ساختن زمینه کنترل دقیق‌تر مالیاتی، با وضع مقرراتی ایفای تسویه‌های پولی مانند اجاره‌بها، اجرت حمل‌ونقل، خدمات و ثمن معاملات اموال منقول و غیرمنقول را در صورتی که میزان آن بیش از هزار فرانک باشد، به وسیله چک بسته یا انتقال وجه از حساب بانکی مدیون به حساب بانکی دائن یا از حساب پستی مدیون به حساب پستی دائن اجباری کرده است (شهیدی، ص ۴۷). البته این مقررات موجب نمی‌شود که بتوان فروشنده را مکلف کرد به جای پول، اسناد تجاری مانند برات، سفته و یا چک عادی دریافت نماید (Planiol, N.1158).

ماده ۱۵۱ قانون تجارت فرانسه برات دهنده، قبول کننده و ظهرنویس‌ها را در برابر دارنده برات به‌طور تضامنی مسئول شناخته است (Mazeaud, N.867)؛ همچنین در حقوق این کشور با تسلیم چک به ذینفع تبدیل تعهد محقق نمی‌شود و بر طبق ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی فرانسه برای تبدیل تعهد اراده طرفین باید به روشنی قابل احراز باشد (Julliot, N.813).

در حقوق لبنان نیز بدون رضایت فروشنده، خریدار نمی‌تواند وی را مجبور به دریافت سند تجاری به جای پول نماید و در مواردی که فروشنده راضی به دریافت سند تجاری مانند چک می‌شود، ذمه خریدار تا زمانی که مبلغ چک وصول شود، همچنان مشغول است (لبیب شنب، ص ۸).

در حقوق مصر نیز اگر موضوع تعهد پول باشد، فروشنده را نمی‌توان مجبور کرد که به جای آن سفته، برات، چک، حواله پستی، سهام، اوراق قرضه یا دیگر اوراق بهادار را دریافت نماید و در صورت رضایت فروشنده با دریافت آن‌ها تبدیل تعهد صورت نمی‌گیرد (السنهوری، ج ۳، ص ۷۵۵).

۴. پرداخت از طریق انتقال وجوه (Payment by funds transfer)

۱.۴. در حقوق ایران

با توجه به گسترش بانک‌ها و موسسات مالی و افتتاح حساب‌های جاری و پس‌انداز از سوی

اشخاص حقیقی و حقوقی و سرعت جابه‌جایی پول از طریق انتقال وجوه و خطرات کم آن، امروزه در کشور ما نیز یکی از شایع‌ترین شیوه‌های پرداخت ثمن، انتقال وجوه و واریز پول به حساب ذینفع است. اگرچه قوانین خاصی در این ارتباط به وسیله قانون‌گذار وضع نگردیده است، ولی این شیوه پرداخت به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در زندگی امروزی تبدیل شده است. البته وجود عقودی مانند ضمان و حواله و اسناد تجاری مانند برات، از گذشته در حقوق ما مشابهت زیادی با انتقال وجوه دارد؛ اما تفاوت اساسی آن‌ها این است که در انتقال وجوه، محال‌علیه بانک و یا مؤسسه مالی می‌باشد که ذینفع در آن حسابی افتتاح کرده است، در حالی که در عقود ضمان و حواله و یا برات، محال‌علیه می‌تواند هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگری باشد.

۲.۴. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

بند «۱» ماده ۸-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در این خصوص مقرر می‌دارد: «۱. پرداخت را می‌توان از طریق انتقال وجوه به هر یک از مؤسسه‌های مالی که ذینفع، داشتن حسابی در آن را به اطلاع رسانده است انجام داد؛ مگر اینکه ذینفع تعهد، حساب خاصی را معین کرده باشد».

اگرچه در ماده ۶-۱-۶ محل پرداخت ثمن، محل اقامت ذینفع پیش‌بینی شده است، ولی در مواردی که فروشنده حساب یا حساب‌هایی را که در بانک و مؤسسات مالی دارد به اطلاع خریدار برساند، خریدار می‌تواند ثمن را به هر یک از آن حساب‌ها واریز کند؛ مگر اینکه فروشنده یکی از حساب‌ها را برای پرداخت ثمن مشخص کرده باشد. برای مثال فروشنده کالا صورت‌حساب را بر روی کاغذ سربرگ‌دار خود که شماره حساب‌هایی از مؤسسات مالی مختلف بر روی آن مشخص شده است برای خریدار می‌فرستد و در این شرایط خریدار می‌تواند ثمن معامله را به هر یک از آن حساب‌ها واریز کند. اینکه این حساب‌ها در محل تجارت فروشنده باشد و یا در شهر و کشور دیگری، تأثیری در انتقال وجوه ندارد.

۳.۴. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

اگرچه در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از پرداخت ثمن از طریق انتقال وجوه سخنی به میان نیامده است، ولی با توجه به اینکه یکی از شیوه‌های شایع و متعارف برای پرداخت ثمن در دنیای کنونی انتقال وجوه و واریز آن به حساب بانکی فروشنده می‌باشد، بدیهی است که یکی از مصادیق روشن اقدامات و تشریفات که برای پرداخت ثمن از جانب خریدار باید رعایت شود و در اصل ۵۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بیان شده است، انجام اقدامات لازم برای واریز ثمن معامله به حساب فروشنده است که خود به معنای انتقال وجوه می‌باشد.

در حقوق انگلیس در مواردی که خریدار نسبت به خوش حسابی فروشنده اطمینان دارد، ممکن است ترتیبات «پرداخت مستقیم (Direct Payment)» را فراهم آورد. پرداخت

مستقیم به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود. خریدار به سادگی می‌تواند قیمت کالا را از طریق حواله تلگرافی یا پستی برای فروشنده ارسال نماید. در چنین مواردی بانک فروشنده، نماینده وی برای وصول ثمن است (Eftekhar, p. 142).

در حقوق مصر خریدار می‌تواند ثمن معامله را به حساب جاری فروشنده در بانک واریز کند و وی را از پرداخت آن آگاه سازد؛ به شرط اینکه خریدار تبعات ناشی از اشتباه خود را قبول نماید. برای مثال اگر به هنگام واریز، ثمن به اشتباه به حساب فرد دیگری واریز شود، مسئولیت متوجه خریدار است و فروشنده مسئولیتی ندارد (السنهوری، ج. ۳، ص ۷۱۵ و ج. ۴، ص ۷۷۱).

۵. زمان ایفای تعهد

در مواردی که ثمن معامله از طریق انتقال وجوه پرداخت می‌شود، در این شرایط در اینکه ایفا در چه زمانی محقق می‌شود و آیا تعهد خریدار به پرداخت ثمن به موقع انجام شده است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. از جمله می‌توان زمان مدیون کردن حساب برای انتقال دهنده، زمان طلبکار شدن حساب بانک انتقال گیرنده، زمان اعلام وصولی به حساب فروشنده، زمان تصمیم بانک انتقال گیرنده به قبول انتقال اعتبار، زمان وارد کردن اعتبار در حساب انتقال گیرنده و زمان طلبکار کردن حساب به انتقال گیرنده را زمان ایفای تعهد به حساب آورد.

به نظر می‌رسد که در حقوق ما اگر فروشنده حساب بانکی یا مؤسسه مالی را که وی در آن حساب دارد به خریدار اعلام کند، می‌توان آن بانک و مؤسسه مالی را نماینده فروشنده تلقی و انتقال وجوه به حساب آن مؤسسه را به منزله پرداخت ثمن تلقی نمود. بنابراین ورشکستگی بانک و مؤسسه مالی بعد از واریز پول از سوی خریدار و قبل از دریافت آن از سوی فروشنده، مسئولیتی برای خریداری که از طریق انتقال وجوه تعهدش را ایفا نموده است، ندارد.

همین نظر در بند «۲» ماده ۸-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی پذیرفته شده و زمان انتقال وجوه به مؤسسه مالی ذینفع، به‌عنوان زمان ایفای تعهد شناخته شده است؛ اگرچه هنوز انتقال وجوه به فروشنده اطلاع داده نشده باشد.^۴

۶. تعیین پول پرداخت (Currency of payment determination)

۱.۶. در حقوق ایران

اگر در کشوری رواج اجباری پول مقرر نشده باشد، طرفین قرارداد می‌توانند در آن شرط کنند که پرداخت با پول خارجی صورت گیرد. اعطای وصف رواج قانونی به پول کشور، اصل آزادی اراده را در عقود سلب نمی‌کند. قانون رواج قانونی پول از قواعد نظم عمومی

۴. بند ۲ ماده ۸-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «در مورد پرداخت از طریق انتقال وجوه، تعهد متعهد هنگامی ایفا می‌شود که انتقال وجوه به مؤسسه مالی ذینفع انجام شده باشد».

نیست. رواج قانونی غیر از رواج الزامی و اجباری است، اما اگر اجباری در قانون پیش‌بینی شده باشد، پرداخت به پول خارجی صحیح نیست و شرط پول خارجی شرط خلاف قانون بوده و باطل است (جعفری لنگرودی، دایره‌المعارف، ص ۷۱۱-۷۱۰).

بند «ج» ماده ۱ قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸، رواج اجباری پول را در کشور ما پیش‌بینی نموده و مقرر می‌دارد: «تعهد پرداخت هرگونه دین یا بدهی فقط به پول رایج کشور انجام‌پذیر است؛ مگر آنکه با رعایت مقررات ارزی کشور ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار داده شده باشد».

البته مورد فوق حاکم بر پرداخت‌های داخلی بین اتباع در داخل کشور است و در معاملات و تعهدات بین‌المللی، مصالح دولت‌ها و جوامع اقتضا می‌کند که برعکس پرداخت‌های داخلی، هرگونه شرط را برای ایفای تعهدات با پولی غیر از پول رایج کشور خود امکان‌پذیر بدانند؛ چراکه پرداخت‌های خارجی یکی از مصادیق بارز استثناهای مقرر در بند «ج» ماده ۱ قانون بانکی و پولی کشور است (جعفری لنگرودی، حقوق متعهدات، ص ۲۳۷).

در مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ ق.ت. نیز تعیین نوع پول پرداختی در برات به پول خارجی پیش‌بینی شده است. ماده ۲۵۲ ق.ت. مقرر می‌دارد: «اگر دارنده برات به برات دهنده یا با کسی که برات را به او منتقل کرده است، پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تأدیه اعتراض شود، دارنده برات می‌تواند از دهنده برات یا انتقال دهنده، نوع پولی را که دارنده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند، ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست».

ماده ۲۵۲ ق.ت. با توجه به مفاد ماده ۲۵۳ این قانون، در مقام بیان موردی است که پول منعکس در برات پول خارجی است و قانون‌گذار تأکید می‌کند که برات در صورتی که به پول خارجی باشد، باید به همان پول خارجی پرداخت شود. به همین دلیل در ماده ۲۵۳ ق.ت. تکلیف شده است که اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده (ظهرنویس)، پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است بدهد، در صورت نکول از سایر طرفین فقط می‌تواند نوع پولی را که در برات معین شده است مطالبه کند (اسکینی، حقوق تجارت تطبیقی، ص ۱۲۴ و حقوق تجارت (برات، سفته...)، ص ۱۳۴-ستوده، ص ۶۷-کاتبی، ص ۲۰۶).

حال با توجه به مؤخرالتصویب بودن قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸) نسبت به قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳)، این سؤال مطرح می‌شود که آیا بند «ج» ماده ۱ قانون پولی و بانکی کشور، مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ ق.ت. را نسخ ضمنی نکرده است؟ به نظر می‌رسد با توجه به استثنای پیش‌بینی شده در بند «ج» ماده ۱ قانون پولی و بانکی کشور، مواد فوق نسخ نشده و به قوت خود باقی است. هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۹۰-۱۳۵۳/۱۰/۴ خود با این توضیح که: «...پرداخت وجه برات با پول خارجی بنا به مدلول ماده ۲۵۲ ق.ت. تجویز شده است و مطابق قسمت

آخر بند «ج» ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور پرداخت تعهدات به ارز با رعایت مقررات ارزی مجاز می‌باشد...» نظر فوق را تأیید نموده است (دمیرچیلی، ص ۴۰).

شعبه ۵ دادگاه عمومی تهران نیز در پرونده کلاسه ۸۱۳/۷۴ در این مورد بیان کرده است: «...خواستۀ خواهان مطالبه بیست و دو هزار دلار آمریکا وجه یک فقره برات می‌باشد. با توجه به محتویات پرونده، اصالت و صحت برات محل اختلاف نیست و وجود آن در ید خواهان ظهور بر مدیونیت خوانده به او دارد» (صقری، ص. ۹۳).

با توجه به آنچه گفته شد و با توجه به اینکه در مبادلات بین‌المللی اصولاً پرداخت‌ها به صورت پول رایج ایران نیست، آشکار است که پیش‌بینی پرداخت به غیر از ریال ایران در قراردادها و اسناد بین‌المللی امکان‌پذیر است. ولی قوانین ما در برابر این سؤال که آیا در صورتی که محل پرداخت ایران باشد، می‌توان به جای نوع پول تعیین شده، ریال پرداخت کرد، ساکت است. اما با توجه به ماده ۲۷۵ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد: «متعهدله را نمی‌توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد است قبول نماید، اگرچه آن شیء قیمتاً معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد». اگر پول را مال محسوب کنیم و انواع پول‌های رایج را نیز جنس‌های مختلف بدانیم، با توجه به مفاد ماده ۲۷۵ به جز با توافق طرفین نمی‌توان ذینفع را ملزم کرد که به جای پول تعیین شده، ریال ایران را قبول نماید.

۲.۶. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

۱.۲.۶. تعهد پولی متفاوت با واحد پول محل پرداخت

در بند «۱» ماده ۹-۱-۶ به‌عنوان یک قاعده کلی پذیرفته شده است که اگر تعهد پولی به پولی غیر از واحد پول رایج در محل پرداخت تعیین شده باشد، متعهد بتواند ایفای تعهد خود را به واحد رایج در محل پرداخت انجام دهد. برای نمونه در قراردادی که بین یک شرکت ایرانی به‌عنوان خریدار و یک شرکت سوئیسی به‌عنوان فروشنده منعقد گردیده و ثمن معامله یک میلیون دلار آمریکا تعیین شده است، شرکت ایرانی می‌تواند ثمن معامله را با فرانک سوئیس پرداخت کند.

البته بر این قاعده کلی دو استثنا وارد شده است: یکی اینکه اگر واحد پولی محل پرداخت آزادانه قابل تسعیر نباشد، خریدار مکلف است که ثمن معامله را با همان واحد پولی که در قرارداد پیش‌بینی شده پرداخت نماید. مثلاً در این مورد اگر فرانک سوئیس آزادانه بر طبق مقررات آن کشور قابل تسعیر نباشد، خریدار ایرانی مکلف است که ثمن معامله را به دلار آمریکا پرداخت نماید. دوم اینکه اگر در ضمن قرارداد طرفین توافق کرده باشند که ثمن فقط به واحد پولی که در قرارداد مشخص گردیده است پرداخت شود، در این صورت نیز متعهد مکلف است ثمن معامله را به واحد پولی که در آن قرارداد تعیین شده است پرداخت نماید. در مثال بالا در صورت توافق طرفین قرارداد بر اینکه ثمن صرفاً به واحد پول تعیین شده در قرارداد (دلار آمریکا) پرداخت شود، خریدار ایرانی مکلف به رعایت آن است.

۲.۲.۶. عدم امکان ایفای تعهد به واحد پول تعیین شده

در صورتی که بنا به دلیلی مانند مقررات ارزی حاکم بر کشور خریدار، پرداخت ثمن معامله به واحد پول تعیین شده در قرارداد برای متعهد غیرممکن باشد؛ ولو اینکه در قرارداد طرفین توافق کرده باشند، فروشنده می‌تواند از خریدار درخواست نماید که پرداخت به واحد پول محل پرداخت انجام شود.^۵ برای نمونه در مثالی که بیان شد اگر پرداخت دلار برای خریدار ایرانی غیرممکن باشد، فروشنده سوئیسی می‌تواند تقاضا نماید که ثمن معامله به فرانک سوئیس پرداخت شود.

۳.۲.۶. تعیین نرخ تسعیر

در صورتی که ثمن معامله، با وجود اینکه در قرارداد به واحد پولی متفاوت با واحد پول محل پرداخت تعیین شده است، به میل متعهد بر اساس بند «۱» ماده ۹-۱-۶ و یا به تقاضای ذینفع بر اساس بند «۲» ماده ۹-۱-۶ به واحد پول محل پرداخت تأدیه شود، نرخ تسعیر و مبادله، نرخ رایج در موعد پرداخت است؛ به شرط آنکه در موعد پرداخت ثمن تأدیه شود. ولی در صورتی که ثمن معامله با تأخیر پرداخت گردد و نرخ تسعیر در موعد پرداخت و زمان پرداخت واقعی متفاوت باشد، ذینفع می‌تواند هر یک از دو نرخ را که برایش سودمندتر است، انتخاب نماید (مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، ص ۱۷۷). برای نمونه در مثال مطرح شده اگر موعد پرداخت اول جولای ۲۰۰۴ باشد، ولی خریدار ایرانی ثمن را به فرانک سوئیس در اول دسامبر ۲۰۰۴ پرداخت نماید، بر فرض آنکه نرخ تسعیر در اول جولای ۲۰۰۴، ۱ دلار آمریکا معادل ۱/۵ فرانک سوئیس بوده و در اول دسامبر ۲۰۰۴، ۱ دلار آمریکا معادل ۱/۶ فرانک سوئیس باشد، فروشنده سوئیسی می‌تواند نرخ دومی را مطالبه کند و اگر برعکس نرخ تسعیر کاهش یافته باشد، می‌تواند نرخ اولی را مطالبه نماید.^۶

۳.۶. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

اگرچه در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از ارزش پرداختی یادی نشده است، ولی با توجه به ماده ۵۳ این کنوانسیون که مقرر می‌دارد: «خریدار باید به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون پیش‌بینی شده است، ثمن را بپردازد و کالا را قبض کند» و همچنین با توجه به بند «۲» ماده ۷ کنوانسیون که مقرر می‌دارد: «مسائل مربوط به موضوعات تحت

۵. بند ۲ ماده ۹-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «اگر برای متعهد پرداخت به واحد پولی که تعهد پولی به آن بیان شده است امکان‌پذیر نباشد، ذینفع می‌تواند پرداخت به واحد پولی محل پرداخت را درخواست کند، حتی در موردی که جزو بند «۱» فوق آمده است».

۶. بند ۳ و ۴ ماده ۹-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارند: «۳- پرداخت پول به واحد پول محل پرداخت باید مطابق با نرخ رایج تسعیر در موعد پرداخت انجام شود. ۴- اما اگر متعهد در زمانی که موعد پرداخت فرا رسیده است مبلغ تعهد را نپردازد، ذینفع تعهد می‌تواند پرداخت طبق نرخ رایج تسعیر در موعد مقرر پرداخت یا زمان پرداخت واقعی را درخواست کند».

حاکمیت کنوانسیون حاضر که تکلیف آن‌ها صراحتاً در این کنوانسیون تعیین نشده است، بر طبق اصول کلی که کنوانسیون مبتنی بر آن‌هاست یا در صورت فقدان چنین اصولی بر طبق قانونی که حسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی (تعارض قوانین) قابل اعمال است، حل و فصل خواهند شد»، هنگامی که بر یک ارز مشخص توافق حاصل شود، این ارز پول قابل پرداخت قرارداد است و کلیه پرداخت‌هایی که باید بر طبق قرارداد صورت پذیرد با همین ارز خواهد بود، حتی پرداخت خسارات و منافع نیز باید با همان ارز پرداخت شود؛ مگر اینکه به نحو دیگری توافق شده باشد (ماسکو، ص ۲۵۵).

در حقوق کشورهای مختلف در قراردادهای بین‌المللی، طرفین آزادی کامل دارند نوع پول پرداخت را به‌عنوان ثمن مشخص نمایند، ولی در قراردادهای داخلی تلاش اغلب کشورها این است که با رواج اجباری پول رسمی، از بی‌اعتباری پول ملی و سلب اعتماد از خزانه عمومی کشور جلوگیری کنند. در حقوق فرانسه، در قانون تجارت سابق آن‌ها پیش‌بینی شده بود که پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده انجام شود، ولی قانون‌گذار در این کشور مبادرت به حذف آن نمود. حتی در زمان حاکمیت آن قانون به حمایت از رواج پول داخلی، برخی از حقوق‌دان‌های آن کشور مفاد آن را ناظر به پول‌های داخل می‌دانستند (Ripert, N.572).

در حقوق انگلیس در قراردادهای داخلی شرط پرداخت به طلا (Gold Clauses) امکان‌پذیر است، ولی متعهد مجبور نیست که برای اجرای تعهد، طلا به ذینفع بدهد و می‌تواند معادل آن پول رایج پرداخت نماید (Chittry, N.1432).

در حقوق اتحادیه اروپا بر اساس معاهده منعقد شده بین آن‌ها، تأسیس یک سیستم بانکی مرکزی برای تمامی اتحادیه اروپا و تصویب واحد پولی یکسان (Euro) در نظر گرفته شده بود که به مرحله اجرا درآمد. البته به موجب یک پروتکل جداگانه که ضمیمه معاهده اروپا شده، کشور انگلیس آن را نپذیرفته و این حق را برای خود محفوظ داشته است که هرگاه قصد حرکت و پیوستن به مرحله نهایی اتحاد اقتصادی و پولی را داشته باشد، آن را به اطلاع شورای وزیران برساند (مکلین، ص ۳۱).

ماده ۱۷۴۹ قانون مدنی ایتالیایی نیز پرداخت هرگونه دین و بدهی را فقط به پول رایج کشور امکان‌پذیر دانسته است؛ مگر آنکه با رعایت مقررات ارزی کشور بین متعهد و ذینفع به ترتیب دیگری توافق شده باشد (جعفری لنگرودی، دایره‌المعارف، ص ۲۳۷).

۷. عدم تعیین پول پرداخت (Currency of payment not determined)

۱.۷. در حقوق ایران

در صورتی که نوع پول پرداختی در قرارداد مشخص نشده باشد، پرداخت به چه پولی باید انجام شود تا تعهد ایفا شده تلقی گردد؟ در قوانین و مقررات کشور ما حکمی پیش‌بینی نشده و علت آن هم این است که در حقوق داخلی معمولاً پرداخت به پول رایج کشور انجام می‌شود. بنابراین اگر تصریح به نوع پول نشده باشد، در صورتی که محل انعقاد قرارداد

ایران باشد، باید ریال ایران را ملاک بدانیم، چون در غیر این صورت به دلیل مجهول بودن ثمن معامله، با توجه به تعریفی که قانون‌گذار در ماده ۳۳۸ قانون مدنی ایران از عقد بیع کرده است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم»، عقد بیع باطل می‌باشد. بدیهی است در صورتی که اراده طرفین قراردادی که در ایران منعقد می‌شود، تعیین نوع پول غیر از ریال ایران باشد به صراحت آن را پیش‌بینی می‌کنند. در صورتی که محل انعقاد قرارداد غیر از ایران باشد، باید با توجه به محل انعقاد، محل اجرای تعهد و محل پرداخت پول، تلاش کرد تا اراده طرفین احراز شود؛ به شرط اینکه عدم ذکر موجب غرری بودن معامله و در نتیجه بطلان بیع نباشد.

۲.۷. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

در ماده ۱۰-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی آمده است: «هنگامی که تعهد پولی به پول مشخصی تعیین نشده باشد، پرداخت باید به پول محل پرداخت صورت پذیرد». در ماده ۱۰-۱-۶ قاعده پول محل پرداخت پیش‌بینی شده است که بر اساس آن در مواردی که نوع پول در قرارداد مشخص نشده باشد، باید ثمن به واحد پول محل پرداخت تأدیه شود. برای مثال اگر در قرارداد مشخص شود که محل پرداخت کشور معینی باشد، ثمن باید به واحد پولی آن کشور پرداخت شود و در صورتی که محل پرداخت در قرارداد تعیین نشده باشد، با توجه به قاعده کلی که باید ثمن در محل تجارت ذینفع پرداخت شود، واحد پول نیز واحد پول کشوری است که اقامتگاه و مرکز تجاری ذینفع در آن واقع است.

۳.۷. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در مواردی که در یک قرارداد بین‌المللی ارزش پرداختی پیش‌بینی نشده باشد، ممکن است دولت‌هایی که طرفین تابع آن‌ها هستند ارزش خاصی را برای اقدامات تجاری در بین اتباع خود تجویز کنند که ارزش پرداختی می‌تواند از این طریق تعیین شود. این قاعده در بند «۲» ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی پیش‌بینی شده است. اما در شرایطی که از این راه ارزش پرداختی قابل تعیین نباشد، با توسل به ماده ۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، باید نوع پول و ارزش پرداختی تعیین شود.

ماده ۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر می‌دارد: «۱- طرفین ملزم به رعایت هرگونه عرف و عادت مورد توافق و همچنین تمامی رویه‌هایی که بین خود ایجاد و مورد تأیید قرار داده‌اند می‌باشند. ۲- اصل بر این است که طرفین عرفی را که بدان وقوف داشته یا می‌باید وقوف می‌داشتند و آن عرف و عادت در تجارت بین‌المللی به نحو گسترده‌ای برای طرفین قراردادهای مشابه در تجارت خاص مربوط شناخته شده و به‌طور منظم مراعات گردیده را به نحو ضمنی بر قرارداد فی مابین یا انعقاد آن حاکم ساخته‌اند؛ مگر اینکه برخلاف آن توافق شده باشد». برای نمونه امکان دارد در تجارت، پرداخت ثمن برخی کالاها به دلار ایالات متحده آمریکا به صورت عرف در آمده باشد یا ممکن است

معمول باشد که در تجارت بین دو یا چند کشور ثمن به یک ارز مشخص پرداخت شود. وقتی از به کارگیری همه این اقدامات نتیجه‌ای حاصل نگردید، باید به قانون حاکم به موجب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، با مراعات مقررات ارزی کشورهای مربوطه توسل جست (پیشین، ص ۲۵۵).

نتیجه

خریدار می‌تواند بر اساس حقوق ایران، مقررات اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و قوانین داخلی مورد مطالعه، به جای وجه نقد از چک یا اسناد مشابه دیگری مانند برات، حواله بانکی، کارت اعتباری و یا وسایل پرداخت الکترونیکی استفاده نماید، ولی فروشنده باید موافق باشد و او مکلف به پذیرش وسیله پرداخت پیشنهادی خریدار نیست. نکته مشترک دیگری که در تمامی مقررات یافت می‌شود، این است که رضایت فروشنده به پرداخت به وسیله چک یا اسناد مشابه دیگر مشروط به تأدیه مبلغ مندرج در آن‌ها در موعد مقرر می‌باشد و صدور این اسناد موجب انتقال تعهد نیست و مسئولیت متعهد همچنان تا زمان پرداخت به قوت خود باقی است. همچنین با توجه به سرعت مبادلات در دنیای امروزی و بی‌نیازی به انعقاد قرارداد و قبض و اقباض مورد معامله و ثمن به صورت حضوری از طرف خریدار و فروشنده، امروزه پرداخت از طریق انتقال وجوه به‌عنوان یکی از سریع‌ترین و در عین حال مطمئن‌ترین راه برای پرداخت ثمن مورد استفاده قرار می‌گیرد که در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی یا به صراحت مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و یا اینکه عرف تجاری کشورها این روش را به رسمیت شناخته است. بنابراین پرداخت از طریق انتقال وجوه، یکی از موارد وفاق در کشورهای مختلف، از جمله حقوق ایران با کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی است. در صورتی که پرداخت ثمن از طریق انتقال وجوه انجام شود، واریز پول به مؤسسه مالی که از سوی فروشنده معرفی شده است، به منزله پرداخت ثمن تلقی می‌شود و ورشکستگی مؤسسه قبل از واریز پول به حساب فروشنده، موجب مسئولیت خریدار نمی‌شود.

حقوق ایران، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق داخلی کشورهای مورد مطالعه به اتفاق در قراردادهای بین‌المللی حق تعیین پول پرداخت را برای طرفین قرارداد پیش‌بینی کرده‌اند و هیچ‌گونه اختلافی در این باره وجود ندارد. البته در قراردادهای داخلی صرفاً در شرایط خاصی تعیین ثمن با پول دیگری غیر از پول رایج پیش‌بینی شده و یا به‌طور کلی این کار ممنوع گردیده است.

در حقوق داخلی ما با رعایت مقررات ارزی این کار امکان‌پذیر است. در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی طی شرایطی پرداخت پول رایج در محل پرداخت به جای پول مورد توافق امکان‌پذیر اعلام شده است و اگر پرداخت با تأخیر انجام شود، ذینفع می‌تواند یکی از دو نرخ زمان سررسید و زمان واقعی پرداخت را که برای وی سودمند است مطالبه کند که این روش می‌تواند مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گیرد.

اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در صورت تعیین نشدن پول پرداخت، پیش‌بینی کرده است که پرداخت باید به پول رایج محل پرداخت انجام شود. حقوق ایران در این خصوص ساکت است و بدیهی است که با توجه به اصول و قواعد کلی در قراردادهای داخلی، در صورت سکوت، پول ایران ملاک محاسبه است و در قراردادهای بین‌المللی باید با توجه به محل انعقاد، محل اجرا و اقامتگاه طرفین قرارداد، مشخص کرد که منظور طرفین پرداخت به چه پولی بوده است. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز به صراحت متعرض این مطلب نشده است و باید با توجه به عرف و رویه حاکم، نوع پول پرداخت را مشخص کرد. حقوق کشورهای مورد مطالعه نیز در این خصوص ساکت هستند و به نظر می‌رسد که با توجه به اصول و قواعد کلی، تفاوتی با حقوق ایران نداشته باشند.

منابع

۱. اسکینی، ربیعا، (۱۳۷۳)، حقوق تجارت تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۲. اسکینی، ربیعا، (۱۳۷۳)، حقوق تجارت (برات، سفته و ..)، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۹)، حقوق تعهدات، ج ۱، چاپ دوم، تهران انتشارات دانشگاه تهران.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۵۹)، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات مشعل.
۵. داراب‌پور، مهرباب، (۱۳۷۴)، حقوق بیع بین‌المللی، ۳ مجلد، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
۶. دمیرچیلی، محمد و دیگران، (۱۳۸۲)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میثاق عدالت.
۷. ستوده تهرانی، حسن، (۱۳۷۶)، حقوق تجارت، ج ۳، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر.
۸. شهیدی، مهدی، (۱۳۷۷)، سقوط تعهدات، چاپ چهارم، تهران، نشر حقوقدان.
۹. صقری، محمد، (۱۳۸۰)، حقوق بازرگانی (اسناد)، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. کاتبی، حسینقلی، (۱۳۷۲)، حقوق تجارت، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۸)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنشر.
۱۱. ماسکو، دیتیش، (۱۳۷۴)، تفسیر ماده‌ی ۵۴ کنوانسیون بیع بین‌الملل کالا، ۲۵۷، ۲۴۸، حقوق بیع بین‌المللی، ج ۲، مترجم، داراب‌پور، مهرباب، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش. مسکین، رابرت مک دونالد، (۱۳۸۰)، حقوق اتحادیه‌ی اروپا، مترجم: شکوهی، مجید، چاپ اول، تهران، انتشارات بین‌المللی المهدی.
۱۲. موسسه‌ی بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، (۱۳۷۹)، مترجم: اخلاقی، بهروز و دیگران، تهران، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، انتشارات شهر دانش.
۱۳. السنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۹۸)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ج ۳ و ۴، بیروت.
۱۴. لیب، شنب و مهدی صبحی خلیل، (۱۹۹۵)، احکام عقداًل‌بیع، دارالعربیة، بیروت.

15. Chitty on contracts, (1983), 25th Ed. V.1, General Principles, London.
16. Eftekhar Jahromi, Gudarz, (2004), law texts 9th ed, Tehran, Gange-e-Danesh.
17. Julliot Dela Monandie're, (1966), Droit Civil, T, 2, 4e Ed, Dalloz.
18. Mazeaud, Henri, leon et jean, (1969), le'cons de Droit Civil, T. II, obligations, 4e e'd, par michel de Juglart.

19. Planiol et Ripert, (1952), Traite' Pratique de Droit Civil Franc, ais, 2e e'd, T,vII , par Esmein , Badousnt et Gabold , Paris.
20. Ripert et Boulanger, (1957), Traite' de Droit. D < apre>s le Traite>de plainiol, paris.
21. Comparison Study of Price Payment Method and its Determination
22. in Iranian Law, Principles of International Commercial Contracts and Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Vienna, 1980